

حق دسترسی به غذا در مخاصمات از منظر موازین حقوق بین الملل

چنگیز اسفندیاری*
سیدباقر میرعباسی**

چکیده

حق دسترسی به غذا و رهایی از گرسنگی، جزء حقوق بنیادین بشری محسوب می‌شود و تحت هیچ شرایطی حتی در مخاصمات نیز قابل تعلیق نیست زیرا هرگونه تعدی به حق غذا می‌تواند موجب مرگ شود. این حق در اسناد مختلف بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی به رسمیت شناخته شده است. با توجه به نقش غذا و رساندن آن به افراد نیازمند در شرایط اضطراری به‌ویژه در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی و با توجه به آنکه در این وضعیت‌ها، هم حقوق بین‌الملل بشر و هم حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم است لذا حقوق بین‌الملل تا آن حد پیش رفته که استفاده از ابزار گرسنگی، نابودکردن یا غیرقابل استفاده کردن اموال برای حیات جمعیت غیرنظامی، ممانعت از دریافت کمک‌های بشردوستانه و... در مخاصمات مسلحانه را به منزله جنایات جنگی، جنایات نسل‌زدایی و جنایات علیه بشریت قلمداد می‌کند و حق دادخواهی درباره نقض حق غذا را از طریق نهادهای مختلف بین‌المللی از قبیل دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت و... به رسمیت می‌شناسد.

واژگان کلیدی: حق غذا، امنیت غذایی، تعهد به احترام، تعهد به حمایت، تعهد به ایفاء.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

Changiz.esfandyari@gmail.com

mirabbassi@parsilo.com

** استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

با توجه به اینکه در نظام حقوق بین الملل بهره‌مندی انسان‌ها از حق بر غذا و آب در همه وضعیت‌ها از جمله مواردی است که حتی در طول درگیری مسلحانه نیز جاری باید رعایت شود این حقوق مبتنی بر تعهدات و الزاماتی آمره یا همگانی (ارگاومنس) هستند که در همه حالت‌ها و برای همه بازیگران بین‌المللی الزام‌آورند. از آنجاکه هنگام مخاصمات هم حقوق بشر و هم حقوق بشردوستانه قابل اعمال است، یک عمل واحد می‌تواند در هر دو نظام حقوقی، نقض یا تخلف محسوب شود. این نوشتار به حق دسترسی به غذا در مخاصمات از منظر موازین حقوق بین‌الملل (حقوق بشر و حقوق بشردوستانه)، مبانی تعهدات حق غذا، نقض آن در مخاصمات مسلحانه و ... می‌پردازد.

۱. حق دسترسی به غذا در نظام حقوق بین‌الملل بشر

حق بر غذا به‌عنوان یک حق بشری از حقوقی است که در مجموعه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طبقه‌بندی می‌شود. به‌موجب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، «حق بر غذا» حق بر رهایی از گرسنگی و دسترسی پایدار به غذا با کیفیت و کمیتی است که پاسخ‌گوی نیازهای غذایی و فرهنگی باشد.^۱ حق غذا برای نخستین بار در مقیاس جهانی در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مبنی بر اینکه هر کس حق دارد که سطح (مطلوب) زندگی، سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث غذا، مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند شناسایی شد.^۲ پس از آن در مواد ۱ و ۶ در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به ترتیب با این بیان که هیچ ملتی را نمی‌توان از وسایل معاش خود محروم کرد^۳ و همچنین حق حیات از حقوق ذاتی شخص انسانی است تأکید شد. سپس در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این حق از حق کلی‌تر «سطح مناسب (امکانات) زندگی نشأت گرفته» و جزئی از آن را تشکیل داده است.^۴ به‌طوری‌که ماده ۱۱ بیان می‌کند: «کشورهای طرف این میثاق، حق هرکس را به داشتن سطح مناسب زندگی برای خود و خانواده‌اش شامل غذا، پوشاک، مسکن کافی و

۱. ابراهیم گل، علیرضا، «حق غذا: پیش‌شرط تحقق سایر حقوق»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۹، ۱۳۷۸، صص. ۲۴۳-۲۲۱.

2. Office United Nation Human Right (OUNHR/FAO), 2010 "The Right to Adequate Food", Fact sheet. p.7, No.34.

۳. کمالان، مهدی، منشور سازمان ملل متحد، چاپ دوم، کمالان، ۱۳۸۸، صص. ۳۵۸.

۴. کریون، میتوسی، چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه محمد حبیبی، چاپ اول، سازمان انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۷، صص. ۳۸۴.

همچنین بهبود شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسد. در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نیز دول عضو در بند ۲ و ۱۲ متعهد شدند تغذیه کافی برای زنان در دوران خاص زندگی‌شان را تضمین کنند. در کنوانسیون حقوق کودک نیز کشورهای عضو در ماده ۲۴ متعهد شدند روش‌های مناسب برای مقابله با بیماری‌های ناشی از سوءتغذیه، فراهم آوردن مواد غذایی متعدد و آب آشامیدنی سالم اتخاذ کنند و همچنین در ماده ۲۷ نیز حق تمام کودکان برای برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی از قبیل غذای کافی را به رسمیت شناختند.

همچنین در ماده ۲۸ کنوانسیون اشخاص ناتوان و مواد ۱۴ و ۱۹ کنوانسیون مردمان بومی به حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی اشاره شده است.^۱ به‌غیر از کنوانسیون‌ها و میثاق‌های مذکور، حق غذا در اسناد مختلف از قبیل کنوانسیون اشخاص بی‌تابعیت و کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از کشتار جمعی، کنوانسیون بین‌المللی سرکوب و مجازات جنایات، اعلامیه جهانی تغذیه و قطعنامه‌های اجلاس جهانی غذا، اعلامیه اهداف توسعه هزاره، اساسنامه‌های FAO و WHO، قطعنامه‌های نهادهای مختلف سازمان ملل از جمله شورای امنیت، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی، اجتماعی، شورای حقوق بشر آمده^۲ و نیز این حق در اسناد مختلف منطقه‌ای از قبیل منشور اجتماعی اروپا، پروتکل الحاقی بر کنوانسیون‌های آمریکایی حقوق بشر، پروتکل سان‌سالوادور، منشور آفریقا در مورد حقوق و رفاه کودکان، پروتکل منشور آفریقا در مورد حقوق زنان، کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و اقوام و پروتکل منضم به آن، اعلامیه آمریکایی حقوق و تعهدات فرد و منشور سازمان دولت‌های آمریکایی شناسایی شده است.^۳

حق غذا در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مستقل بیان نشده و در بند ۱ ماده ۱۱ با عنوان استاندارد مناسب زندگی آمده است. ماده ۱۱ میثاق بیان می‌دارد: «کشورهای طرف این میثاق، حق هرکس را به برخورداری از حداقل معیشت برای خود و خانواده‌اش شامل غذا، پوشاک و مسکن کافی و همچنین بهبود شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسد.»

1 . Christophe Golay, and Melik Ozden, "The Right to Food: A fundamental human right affirmed by the United Nations and recognized in regional treaties and numerous national constitutions", p13. Available at: www.cetim.ch/en/documents/Br-alim-A4-ang.pdf.

۲ . ابراهیم گل، پیشین، ص. ۲۲۲.

۳ . ابراهیم گل، همان.

کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین این حق، تدابیر مقتضی اتخاذ خواهند کرد و در این جهت به اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی مبنی بر رضایت آزاد اذعان دارند. کشورهای طرف این میثاق با اذعان به حق بنیادین هرکس به رهایی از گرسنگی از طریق همکاری بین‌المللی، تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخص را به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد: الف) بهبود روش‌های تولید، حفظ و توزیع غذا با بهره‌گیری کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش و تغذیه توسعه یا اصلاح نظام زراعی به نحوی که حداکثر توسعه مؤثر و استفاده از منابع طبیعی را تأمین کند. ب) تأمین و توزیع منصفانه ذخایر (منابع) غذایی جهان برحسب نیازها با توجه به مسائل مبتلابه کشورهای صادرکننده و واردکننده غذا.^۱ کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میثاق در سال‌های اخیر برای روشن‌شدن تعهدات دولت‌ها بر اساس میثاق، یکسری تفاسیر کلی تصویب کرده است. این کمیته در تفسیر عمومی شماره ۱۲ درباره حق بر تغذیه و غذای مناسب، چنین بیان کرد: «حق بر غذای مناسب، زمانی محقق می‌شود که هر مرد، زن و کودکی به تنهایی در اجتماع با دیگران، در همه زمان‌ها از نظر فیزیکی و اقتصادی به تغذیه مناسب یا وسایل تأمین آن دسترسی داشته باشد. حق بر غذای مناسب، متضمن در دسترس بودن غذا در کمیت و کیفیتی است که بتواند نیازهای رژیم غذایی افراد را برآورده سازد. غذا باید عاری از مواد مضر و زیان‌آور بوده و در یک فرهنگ معین، قابل قبول باشد. مضاف بر این، غذا باید به شیوه‌ای پایدار دست‌یافتنی باشد. از منظر گزارشگر ویژه حق غذا در سازمان ملل متحد، حق غذا به معنی دسترسی مستمر، پایدار و بدون محدودیت است و مستقیم یا غیرمستقیم به غذایی گفته می‌شود که از نظر کیفیت و کمیت، مناسب و مطابق با شرایط فرهنگی جامعه فرد مصرف‌کننده است به نحوی که کیفیت زندگی او را در بُعد روانی و جسمانی و سطوح فردی و جمعی تضمین کند و تأمین آن به میزان کافی، مناسب و بی‌دغدغه باشد.»^۲

حق غذا در بردارنده حق یاری‌رساندن به فردی است که نمی‌تواند از خویش مراقبت کند. البته این نکته درباره حق غذا اهمیت بیشتری دارد زیرا حق غذا حقی است که بر اساس آن، هر فرد بتواند تغذیه درخور نیازهای خویش داشته باشد. این حق، همچنین شامل دسترسی به منابع و ابزار تأمین معیشت هر فرد نیز هست.

1 . Amrei Muller, "Limitations and Derogations from Economic, Social and Cultural Rights", Human Rights Law Review, Vol. 9, 2011, p.557.

2 . Commission on Human Right (CHR), "The Right to Food", Report by the Special Reporter on the right to food, 2001, available at: www.CHR.org.

دسترسی به زمین، امنیت و رفاه، دسترسی به آب و بذر، اعتبارات، فناوری و بازارهای محلی و منطقه‌ای به ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر و در معرض تبعیض، دسترسی به مناطق قدیمی ماهی‌گیری برای جوامع ماهی‌گیر که به این مناطق برای تأمین معاش خویش وابسته‌اند، دسترسی به سطحی از درآمد کافی برای کارگران شهری و روستایی که بتوانند علاوه بر دسترسی به امنیت اجتماعی و کمک‌های اجتماعی برای افراد بسیار محروم، زندگی در شأن خود داشته‌باشند نیز شامل حق غذا می‌شود.

یعنی اجزای حق غذا شامل الف- فراهم‌بودن یا تأمین غذای کافی؛ ب- ثبات غذا و دسترسی به آن در هر زمان؛ ج- قابلیت دسترسی اقتصادی و فیزیکی؛ و د- قابل استفاده و سالم بودن می‌شود. حق غذا دارای دو حق متمایز است: الف) حق امنیت غذایی از طریق خودکفایی در تولید محصولات غذایی و درآمد کافی ب) حق بنیادین رهایی از گرسنگی. حق رهایی از گرسنگی، ناشی از حق حیات، یک محتوای حداقلی از حق غذا و هسته سخت یا حداقل استاندارد در رابطه با حق غذاست و به معنی حق دسترسی به حداقل غذای اساسی برای اطمینان هرکس برای رهایی از گرسنگی و مرگ.^۱ دولت‌ها تعهد فوری برای اطمینان از حق بنیادین رهایی از گرسنگی دارند و امنیت غذایی نیز موضوع یک پروسه و اهداف طولانی‌مدت و تدریجی در سطح ملی و بین‌المللی است. حق رهایی از گرسنگی، جزء حقوق بنیادین محسوب می‌شود و تحت هر شرایطی حتی در بلایای طبیعی، غیرقابل عدول است. در تفسیر کلی مصوبه شماره ۱۲ اجلاس بیستم کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درباره حق برخورداری از غذای مناسب به این مسئله نیز اشاره شده که احتمال دارد دولت‌ها یا دیگر نهادها این حق را به اشکال گوناگون از جمله جلوگیری از دسترسی به کمک غذایی بشردوستانه در درگیری‌های داخلی یا دیگر وضعیت‌های اضطراری لغو کنند و گفته شده در چنین اوضاعی دولت‌ها مسئولیت دارند بسته به میزان توانایی خود برای فراهم‌آوردن امداد مربوط به حوادث و کمک‌های بشردوستانه همکاری کنند.^۲

۱-۱. رابطه حق غذا با سایر حقوق بشری

با توجه به آنکه اعلامیه کنوانسیون جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳ مقرر می‌دارد تمامی حقوق بشر، جهانی، غیرقابل تفکیک، مرتبط و وابسته به یکدیگرند لذا حق غذا نیز از این

۱ . Golay and Ozden, op.cit, p.14.

۲ . مصفا، نسرین، بهرام مستقیمی و همکاران، «چالش‌های کمک‌های بشردوستانه در خاورمیانه»، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶، صص. ۲۰-۲۱.

قاعده مستثنا نیست^۱ و با سایر حقوق بشر از جمله حق سلامت، حق حیات، حق آموزش، حق کار، حق بر آزادی عقیده بیان و اطلاعات، حق تشکیل اجتماعات و انجمن‌ها، حق بر عدم تبعیض، حق مسکن و حق منع شکنجه در ارتباط است.^۲ در ارتباط با پیوند بین حق غذا و حق حیات می‌توان گفت حق غذا در هر وضعیتی اعتبار دارد و قابل تعلیق نیست زیرا هرگونه تعدی به حق غذا می‌تواند منجر به مرگ ناشی از گرسنگی شود. همان طور که کمیته حقوق بشر می‌گوید: «حقی عالی است که تعلیق آن حتی در اوضاع اضطرار عمومی که حیات ملت در معرض خطر قرار دارد مجاز نباشد.» کمیته مزبور در بند ۵ تفسیر کلی شماره ۱۶ اجلاس شانزدهم خود درباره ماده ۶ دامنه شمول حق حیات را گسترش داده به نحوی که اقدام در جهت محو سوء تغذیه و بیماری‌های همه‌گیر را نیز در بر می‌گیرد.^۳ مطابق نظر گزارشگر کمیسیون حقوق بشر در حق غذا، اصطلاح غذا نه فقط غذای جامد بلکه جنبه‌های تغذیه‌ای آب آشامیدنی را نیز شامل می‌شود.^۴ بند اول ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعدادی از موارد مربوط به حق داشتن سطح مناسب زندگی را برشمرده که شامل خوراک، پوشاک و مسکن می‌شود. از متن ماده برمی‌آید که این حق، منحصر به موارد مذکور نیست و حق آب نیز قطعاً یکی از موارد مهم برای برخورداری از سطح زندگی کافی لازم است. این امر از سوی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عام شماره ۱۵ به تفصیل مطرح شده است.^۵ اگر مردم به آب کافی و سالم دسترسی نداشته باشند حق غذا محقق نخواهد شد. حق بشری بر آب به هرکس استحقاق می‌دهد که آب کافی، سالم، قابل دسترسی فیزیکی با هزینه معقول برای مصارف شخصی و خانگی داشته باشد. کفایت آب سالم برای پیشگیری از مرگ ناشی از بی‌آبی، کاهش خطر بیماری مرتبط با آب و تأمین آب برای مصرف، پخت‌وپز، بهداشت شخصی و خانگی از ضروریات است. حق بر آب، جزء تضمین‌های لازم برای تأمین سطح کافی زندگی مندرج در بند ۱ ماده

۱. ابراهیم گل، پیشین، ص. ۲۳۱.

2. OUNHR.op.cit, pp. 5-6.

۳. مصفا و همکاران، پیشین، ص. ۲۰.

4. Golay and Ozden, op.cit, p.10.

۵. حسینی اکبرنژاد، حوریه، «جنگ علیه حقوق جنگ: نقض تعهد رعایت حقوق بشر در جنگ ۲۲ روزه غزه»، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی، سال ۲۸، شماره ۴۰، ۱۳۸۸، صص. ۹۹-۱۲۵.

۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد؛ به‌ویژه آنکه آب یکی از بنیادترین ضروریات بقا و ادامه حیات است. حق بر آب، ارتباط ناگسستنی با حق بر بالاترین سطح قابل وصول سلامت (بند ۱ ماده ۱۲) و حق بر غذای کافی (بند ۲ ماده ۱۱) دارد. همچنین این حق را باید در ارتباط با سایر حق‌های بشری مندرج در منشور بین‌الملل حقوق بشر و از همه مهم‌تر، حق بر حیات و کرامت انسانی مورد توجه قرار داد.

۲. حق دسترسی به غذا در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حقوق بشردوستانه، به عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل بر مخاصمات مسلحانه و سایر اوضاع از جمله وضعیت اشغال حاکم است و رفتار متخاصمین در طول جنگ را تنظیم می‌کند و مجموعه‌ای از قواعد قراردادی یا عرفی بین‌المللی است که مشخصاً ناظر به رفتار قوای متخاصم در منازعات مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی^۱ و به‌منزله بخشی از موازین ناظر بر درگیری‌های مسلحانه با تحمیل تعهداتی بر طرف‌های متخاصم و همچنین جامعه بین‌المللی تلاش می‌کند تا درگیری‌های مسلحانه را انسانی کند و از سطح خشونت‌های ناشی از عملیات نظامی بکاهد.

آنچه امروز تحت عنوان حقوق بشردوستانه بین‌المللی شناخته می‌شود شامل دو شاخه حقوق قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه یعنی حقوق لاهه و حقوق ژنو است. حقوق لاهه به‌ویژه مقررات مربوط به قواعد و آداب جنگ زمینی، حقوق و وظایف متخاصمان را در عملیات نظامی تعیین و حقوق ژنو از قربانیان جنگ حمایت می‌کند. در حقوق بشردوستانه، دواصل جنبه محوری دارند و اصول بنیادی دیگر حقوق بشردوستانه، ذیل این دواصل قرار می‌گیرد: ۱- اصل حمایت از کسانی که مستقیم یا غیرمستقیم، قربانی جنگ و آثار آن می‌شوند. ۲- اصل محدودیت یعنی محدودیت ابزارها و شیوه‌های جنگ. چهار کنوانسیون معروف به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی به این کنوانسیون‌ها منبع اصلی حقوق بشردوستانه هستند. این چهار کنوانسیون که بعضی از آن‌ها بسیار مفصل و بالغ بر ۱۵۰ ماده و تعدادی ضمیمه است، جملگی در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به تصویب حاضران در کنفرانسی که به منظور تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی برای حمایت از قربانیان جنگ از ۲ آوریل تا ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در ژنو تشکیل شد مصوب و در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ لازم‌الاجرا شد. دو پروتکل الحاقی به

^۱ . قربان‌نیا، ناصر، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، چاپ اول، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، ص. ۴۰.

این کنوانسیون‌ها نیز مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی و حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیربین‌المللی است. دو پروتکل مذکور ۸ ژوئن ۱۹۷۷ به تصویب کنفرانس دیپلماتیک ژنو در مورد تأیید مجدد توسعه قوانین بین‌المللی بشردوستانه قابل اجرا در منازعات مسلحانه رسیدند و ۷ دسامبر ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شدند.

۲-۱. حق غذا در مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو

حق غذا در ماده ۳۲ کنوانسیون شماره یک در مواد ۱۸، ۲۰، ۲۶، ۳۱، ۴۵، ۴۶، ۷۲، ۵۱ و ۷۶ کنوانسیون شماره ۳ ذکر شده است. در کنوانسیون شماره چهارم نیز حق دسترسی به غذا در مواد مختلف بیان شده است. در اینجا به برخی مواد مهم مرتبط با حق غذا در کنوانسیون‌های مذکور اشاره می‌شود. در ماده ۳۲ کنوانسیون شماره ۱ بیان شده است که اشخاص کشور بی طرف که به دست طرف متخاصم می‌افتد قابل بازداشت نیستند و در مدتی که این اشخاص در اختیار دولت متخاصمند غذایشان باید از نظر کمی و کیفی و تنوع، کافی باشد طوری که سلامت طبیعی آن‌ها را تأمین کند.

در ماده ۲۰ کنوانسیون شماره ۳ نیز آمده است که دولت بازداشت‌کننده برای اسیران جنگی که تخلیه می‌شوند آب آشامیدنی و مواد غذایی به مقدار کافی تأمین خواهد کرد. در ماده ۲۶ بر جیره غذایی اصلی روزانه اسرا از لحاظ کیفیت و تنوع کافی اشاره شده، طوری که مواد غذایی باید سلامت کامل آن‌ها را تأمین کند و در تغذیه آن‌ها باید رژیم غذایی عادی آنان در نظر گرفته شود و همچنین غذای اضافی لازم برای اسیران جنگی که مشغول کار هستند مهیا باشد.

در ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو که به کنوانسیون حقوق اشغال معروف است، به تعهد دولت متعاقد به آزادی عبور کلیهٔ محموله‌های غذایی اساسی و مواد مغذی کودکان زیر ۱۵ سال و زنان باردار اشاره و در ماده ۵۵ آن، دولت‌اشغالگر، در حد امکانات خود یا تا حد ممکن، مکلف است احتیاجات مردم تحت اشغال را از نظر مواد غذایی و پزشکی تأمین کند و باید مواد غذایی و ... هرگونه لوازم دیگر را هنگامی که منابع اراضی اشغال شده کافی نباشد از خارج وارد کند. دولت اشغال‌کننده نباید مواد غذایی در اراضی اشغالی را مصادره کند مگر برای نیروها و دستگاه اداری اشغال‌کننده. دول حامی می‌توانند هر زمان بدون هیچ محدودیتی به وضعیت غذا و دارو در اراضی اشغال شده با توجه به محدودیت‌های موقت که به علت الزامات الزامی نظامی ایجاد شده رسیدگی کنند. همچنین در ماده ۵۹ کنوانسیون مذکور به طرح‌ها و کمک‌های بشردوستانه به شرح ذیل اشاره شده است: «هرگاه ذخایر سرزمین اشغال شده ناکافی باشد، دولت اشغال‌کننده باید به نیابت از جمعیت مذکور با طرح‌های بشردوستانه

موافقت و با هر وسیله ممکن و در اختیار، ورود آنها را تسهیل کند. اقدامات مزبور که ممکن است توسط دولت‌ها یا کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به عمل آید بیشتر عبارتند از ارسال مواد غذایی و کلیه دول متعهد کنوانسیون ۱۹۴۹ باید عبور آزادانه این محموله‌ها را تضمین و حمایت کنند.^۱ در ماده ۶۰ نیز آمده است که دولت اشغال‌کننده حق ندارد محموله‌های کمکی را به هیچ‌وجه از مصرف معین منحرف سازد مگر در صورت ضرورت فوری که به نفع اهالی سرزمین اشغالی و با موافقت دولت حامی انجام گیرد و نیز در ماده ۶۱ بیان شده است که از محموله‌های کمکی مزبور، در اراضی اشغال‌شده هیچ مالیات و عوارض گمرکی دریافت نخواهد شد و دولت اشغالگر باید تقسیم سریع محموله‌های مزبور را تسهیل کند و کلیه دول متعهد تلاش خواهند کرد ترانزیت و حمل محموله‌های کمکی به مقصد اراضی اشغال‌شده رایگان انجام گیرد.^۲ بر اساس ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ کشورها نیز تعهداتی در زمینه حق غذا دارند. هر دولت متعهد به کلیه محموله‌های دارویی و نیز به هرگونه مواد غذایی ارسالی ... و مواد مقوی برای کودکان کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار، آزادی عبور خواهد داد؛ حتی اگر چنین کمک‌هایی برای سکنه غیرنظامی طرف مخالف در نظر گرفته شود.^۳ ماده ۷۰ پروتکل الحاقی شماره یک این تعهدات کشورها را به‌طور جامع بیان می‌کند و مقرر می‌دارد که هر یک از طرف‌های معظم متعهد باید عبور سریع و بی‌وقفه کلیه محموله‌ها، تجهیزات و نیروی انسانی موردنظر تدارک دیده شده به‌موجب این بخش را اجازه داده و تسهیل کند؛ حتی اگر چنین کمک‌هایی برای افراد غیرنظامی مخالف در نظر گرفته شده باشد.

۲-۲. پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹

دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۸ ژوئن سال ۱۹۷۷ به‌منظور توسعه و تکمیل مقررات بشردوستانه در ارتباط با مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی تصویب و هر دو در ۷ دسامبر ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شدند. پروتکل شماره یک، نسبتاً مفصل و مشتمل بر یک مقدمه و ۱۰۲ ماده است. پروتکل شماره ۲ کوتاه‌تر از پروتکل یک، مشتمل بر ۲۸ ماده در ارتباط با مخاصمات داخلی و تبیین و توسعه ماده ۳ مشترک بین

1. Randle Defalco, "The Right to Food in Gaze: Israel's Obligations under International Law", The Internet Journal of Rutgers School of Law, Vol.35, 2009, pp. 11-22.
2. Jelena Pejic, "The Right to Food in Situations of Armed Conflict: The Legal Framework", International Review of the Red Cross, vol. 83, No. 844, 2001, pp. 1097-1109.
3. Defalco, op.cit, p.14.

کنوانسیون‌های ژنو تدوین شده است.^۱ مواد مختلف در ارتباط با حق دسترسی به غذا در پروتکل شماره یک که در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی کاربرد دارد به کار رفته است که در این بخش به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. در بند ۱ ماده ۵۴ بر ممنوعیت گرسنه‌نگه‌داشتن غیرنظامیان به‌عنوان روش جنگی اشاره شده که اکنون، به‌عنوان قاعده محکم و ریشه‌دار در قوانین و عرف بین‌المللی جای خود را باز کرده است.^۲ منع به‌قحطی‌کشاندن غیرنظامیان و ممنوعیت گرسنگی‌دادن هم در مواردی که قحطی و نبود غذا یا دسترسی به مواد غذایی منجر به سلب حیات افراد شود و هم در شرایطی که درد و رنج و گرسنگی بر مردم تحمیل شود مصداق خواهد یافت.^۳ قواعدی از قبیل حمله به اموال ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی، ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه و تحدید آزادی حرکت نیروهای بشردوستانه، از زیرمجموعه‌های قاعده منع گرسنگی‌دادن به غیرنظامیان در مخاصمه است. این اصول، ناظر بر این نکات هستند: حمله به اموال ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی و ممانعت از کمک‌رسانی بشردوستانه از سوی نیروهای امدادی سازمان‌های بشردوستانه به غیرنظامیان یا تحدید آزادی حرکت نیروهای امداد بشردوستانه، همگی نقض ممنوعیت گرسنگی است. رویه‌های ناظر بر این قواعد، بیش از پیش ماهیت این قاعده عرفی را مشخص می‌کند.^۴ همچنین بر اساس بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ایجاد شرایط قحطی برای غیرنظامیان به‌عنوان روش جنگی از طریق محروم کردن آن‌ها از کالاهای اساسی و ضروری برای بقا، جنایت جنگی تلقی می‌شود. مبنای این ممنوعیت، حقوق بشری و بنیادین غیرنظامیان برای ادامه حیات و مصون ماندن از آثار درگیری است. اگر آن‌ها از آب و غذا و بهداشت محروم شوند و حق دسترسی به خدمات عمومی نداشته باشند چه‌بسا بسیار بیش از رزمندگان از جنگ متأثر شوند. حقوق بشردوستانه، این افراد را غیرنظامی واجد حق شرکت در رزم با دشمن نمی‌داند. در مقابل، حق می‌دهد که مایحتاج لازم برای زندگی‌شان از گزند دشمن دور بماند. پس دشمن نمی‌تواند به‌عنوان اقدام و با انگیزه نظامی، اموالی را هدف یا تضییق یا حتی اقدام تلافی‌جویانه قرار دهد که برای زندگی و بقای جمعیت غیرنظامی ساکن منطقه درگیری لازم است تا در

۱. مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷، ص. ۲۶۳.

۲. هنکرتز، ژان ماری، و لوئیس دوسوالدیک، حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، مجد، ۱۳۸۷، ص. ۳۰۱.

۳. ساعد، نادر، فلسطین و حقوق بین‌الملل معاصر، چاپ اول، مجد، ۱۳۸۹، ص. ۹۱.

۴. هنکرتز، و دوسوالدیک، پیشین، ص. ۳۰۵.

نتیجه آن، اطراف مقابل درگیری در معرض فشار واقع شوند.^۱ در بند ۲ ماده ۵۴ این پروتکل، حمله، تخریب، انتقال یا غیرقابل استفاده کردن اموالی که برای بقای سکنه غیرنظامی ضروری است نظیر مواد غذایی، نواحی کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات کشاورزی، دامی، تأسیسات و ذخایر آب آشامیدنی، سیستم‌های آبرسانی به‌ویژه به این منظور که امکان استفاده از آن‌ها برای سکنه غیرنظامی یا طرف مخالف سلب شود و این عمل با هر انگیزه‌ای خواه برای اینکه غیرنظامیان از گرسنگی از پا درآیند، خواه مجبور به انتقال به جای دیگر شوند یا هر انگیزه دیگر، ممنوع است.

در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز تحمیل عمدی گرسنگی بر غیرنظامیان از طریق محروم‌ساختن آنان از ملزومات بقا به‌عنوان روش جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، جنایت جنگی به شمار می‌رود. در بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی جهان نیز این موضوع بدین شکل بیان شده است که تعرض به ضروریات حیات و بقای غیرنظامیان ممنوع است و در قوانین برخی کشورها نیز عدول از این قاعده، جرم است.^۲ به‌طور کلی، اموالی که برای حیات و بقای غیرنظامیان کشور ضرورت دارد اموال غیرنظامی است که باید از حمله مصون بماند و یکی از زیرمجموعه‌های قاعده منع گرسنگی به غیرنظامیان در جنگ به شمار می‌رود. در تفاسیر پروتکل الحاقی نیز طرق مختلفی که شرایط گرسنگی‌دادن به غیرنظامیان را فراهم می‌کند مشخص و منع شده است. ماده ۷۰ پروتکل نیز به حق دریافت کمک‌های بشردوستانه، آزادی حرکت نیروهای بشردوستانه، توزیع کمک‌های بشردوستانه و .. تأکید می‌کند.^۳

هدف از کمک‌های انسان‌دوستانه، حفظ حق زندگی آدمیان از خطر گرسنگی و مرگ است؛ همان حقی که ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، همه انسان‌ها را برخوردار از آن دانسته است و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز از آن صیانت می‌کنند. بند ۲ ماده یک مشترک در هر دو میثاق با صلابت و صراحت خاص مقرر می‌کند: «در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از وسایل بقای خود محروم کرد.» حق حیات که کمک انسان‌دوستانه جز ضامن برای آن نیست و خود منتج از آن است، به قطع و یقین و بی‌هیچ گفت‌وگو حقی است از

۱. ساعد، پیشین، ص. ۹۲.

۲. هنکرتز، و دوسوالدیک، پیشین، ص. ۳۰۷.

3. Jelena Pejic, "The Right to Food in Situations of Armed Conflict: The Legal Framework", International Review of the Red Cross, Vol. 83, No. 844, 2001, pp. 1097-1109.

همان‌دسته از حقوق بشر که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه *بارسلونا تراکشن*، حقوق بنیادین خوانده است.^۱ عبارت امداد بشردوستانه شامل تدارک مواد غذایی ضروری، آب آشامیدنی، لباس و حداقل امکانات مسکونی و برخی تجهیزات پزشکی و داروهای اساسی است و خدمات اساسی از قبیل خدمات پزشکی درمانی و دفاع غیرنظامی را در بر می‌گیرد.^۲

در پروتکل اول الحاقی در ماده ۷۰ اعلام شده برای رساندن کمک‌های لازم اعلام رضایت طرف‌های درگیری ضروری است و همچنین در عین حال که طرف‌های درگیر، ملزم به اعلام چنین رضایتی هستند، بر اساس ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۷۰ پروتکل الحاقی شماره ۱ حق کنترل از آن‌ها سلب نمی‌شود. ضمناً نیروهای بشردوستانه باید بر اساس ماده ۷۱(۴) پروتکل الحاقی ۱ به قوانین و مقررات سرزمینی که در آن عمل می‌کنند احترام بگذارند. در رابطه با سرزمین‌های تحت اشغال، کنوانسیون چهارم ژنو قوای اشغالگر را موظف کرده‌است تا همه توان خود را برای تسهیل در رسیدن کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان به کار برند در واقع قوای اشغالگر باید از اینکه کلیه نیروی انسانی غیرنظامی تحت اشغال او در حد کافی از چنین کمک‌هایی بهره‌مند هستند اطمینان حاصل و در موارد لزوم، درخواست کمک کند و طرف‌های درگیر نباید عمداً مانع رساندن کمک‌های بشردوستانه به جمعیت غیرنظامی نیازمند شوند. ممانعت عمدی از کمک‌رسانی بشردوستانه - که خود زیرمجموعه گرسنگی دادن جمعیت غیرنظامی به‌عنوان روش جنگی است - در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، جنایت جنگی به شمار می‌رود.^۳ چنین عملی بر اساس قوانین داخلی بسیاری از کشورها نیز جرم محسوب می‌شود. در ماده ۷۰ (۲) پروتکل اول الحاقی آمده است که طرفین درگیر و هریک از طرف‌های معظم متعهد باید سریع و بی‌وقفه، عبور کلیه محموله را اجازه دهند و تسهیل کنند و قطعنامه‌های متعددی از سوی سازمان ملل متحد، به‌ویژه شورای امنیت و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در این مورد صادر شده‌است. ارسال کمک بشردوستانه به غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ بدین شکل

۱. ممتاز، جمشید، و امیرحسین رنجبران، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی، میزان، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۲.

۲. اخوان خزاریان، مهناز، «اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمه اخیر نوار غزه»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی، سال ۲۸، شماره ۴۰، ۱۳۸۸، صص. ۶۹-۴۱.

۳. خرازیان، همان، ص. ۵۲.

بیان شده است که هر دولت متعاقد به کلیه محمولات دارویی ... که باید به غیرنظامیان برسد اجازه عبور دهد و عبور آنها را تسهیل کند و همچنین عبور آزاد و بلامانع محموله‌های مواد اصلی غذایی، پوشاک و دارویی تقویتی برای کودکان زیر ۱۵ سال و بانوان باردار و موارد مرتبط با زنان را اجازه دهد و تسهیل کنند.^۱ بر اساس تفسیر ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم، نان، آرد، شکر، روغن و نمک از جمله مواد ضروری‌اند.^۲ این تعهد در ماده ۷۰(۲) در پروتکل الحاقی اول به شکل موسع‌تری بدین شرح بیان شده است: طرفین درگیر و هریک از طرف‌های معظم متعاقد باید عبور سریع و بی‌وقفه کلیه محموله‌ها، تجهیزات و پرسنل تدارک‌دیده به‌موجب این بخش را اجازه داده و تسهیل کنند حتی اگر چنین کمک‌هایی برای سکنه غیرنظامی طرف مخالف در نظر گرفته شده باشد یعنی دولت‌های طرف مخالف را متعهد کرده که نه‌تنها از مانع‌تراشی در مسیر غیرنظامیان به این کمک‌های بشردوستانه خودداری ورزند (تعهد سبلی) بلکه روند دسترسی‌های مذکور را تسهیل کنند(تعهد ایجابی).^۳ این تفسیر موسع توسط همگان و از جمله کشورهایی که به پروتکل مذکور نپیوسته‌اند پذیرفته شده است.^۴

دریافت کمک‌های بشردوستانه برای بقا و حیات جمعیت غیرنظامی نیازمند، ضروری و مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حق چنین جمعیتی است و کنوانسیون چهارم ژنو در ماده ۳۰ خود به این مسئله اشاره کرده است که غیرنظامیان برخوردار از این حق می‌توانند از قدرت‌های حامی و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و هر سازمان دیگری که توان و امکان کمک داشته باشد درخواست کمک کنند و پروتکل اول الحاقی نیز چنین حقی را در ماده ۷۰(۱) برای جمعیت غیرنظامی به رسمیت شناخته است.

شورای امنیت، مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز بر مواردی که جمعیت غیرنظامی نیازمند، محق دریافت کمک‌های بشردوستانه هستند تأکید ورزیده‌اند که قواعد پروتکل الحاقی درمورد کمک‌های بشردوستانه در پرتو و همگام با منع استفاده جنگی از قحطی‌دادن غیرنظامیان تفسیر شود. در این صورت، مداخله‌های غیرانسانی در دسترسی و توزیع کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان در صورتی که با هدف به‌قحطی‌کشاندن غیرنظامیان باشد مصداقی از نقض

۱. هنکرتز، و دوسوالدیک، پیشین، ص. ۳۱۵.

۲. ممتاز، و رنجبران، پیشین، ص. ۱۳۹.

۳. ساعد، پیشین، ص. ۹۲.

۴. هنکرتز، پیشین، ص. ۳۱۲.

این ممنوعیت تلقی خواهد شد. نهایتاً ایجاد شرایط قحطی عمدی از جمله مداخله در ارسال کمک‌های بشردوستانه، مصداق جنایات جنگی است.^۱

الزام به تأمین آزادی تردد و عمل برای رساندن کمک‌های بشردوستانه مجاز به جمعیت غیرنظامی نیازمند در پروتکل اول الحاقی در ماده ۷۱ (۳) بیان شده است. نیاز گروه‌های مسئول رساندن کمک‌های بشردوستانه به آزادی در امنیت حرکت و عمل، در رویه ناظر بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی صراحت دارد و تخطی از چنین قاعده‌ای موضوع محکومیت قرار گرفته و ممنوع اعلام شده است. به‌ویژه سازمان ملل، بیانیه‌های و قطعنامه‌های زیادی در این ارتباط صادر کرده است.

یکی از مشخصات عمده تنظیم حقوقی منازعات داخلی طبق پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ این است که برخلاف منازعات بین‌المللی، رابطه بین متخاصمین، اساساً رابطه بین دولت-کشور مربوطه و اتباع آن است لذا تعهدات دولت متخاصم، طبق حقوق بشردوستانه در قبال طرف متخاصم دیگر، تعهداتی در قبال اتباع خود آن دولت محسوب می‌شود؛ درست همان‌طور که حقوق بشر، تعهداتی را بر دولت در قبال اتباعش تحمیل کرده است. در اینجا تفاوت در شرایط خاص منازعه مسلحانه نهفته که اعمال نوع خاص قواعد را ایجاب می‌کند. درارتباط با مداخلات غیربین‌المللی نیز چند ماده مرتبط با حق غذاست که می‌توان به ماده ۵ مبنی بر مهیاکردن غذا و آب آشامیدنی برای اشخاصی که به دلایل مربوط به جنگ مسلحانه از آزادی محرومند و ماده ۱۴ مبنی بر ممنوعیت ایجاد قحطی بین جمعیت غیرنظامی به‌عنوان روش جنگی و همچنین حمله، تخریب، جابه‌جایی یا انتقال بی‌فایده اموال ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی مانند مواد غذایی، محصولات خام کشاورزی و دامی اشاره کرد. در ماده ۱۸ نیز آمده است اگر جمعیت غیرنظامی در معرض سختی، بی‌دلیل از ملزومات و لوازم اصلی برای بقای خود از قبیل مواد غذایی، امکانات پزشکی محروم شوند عملیات امدادی انجام و کمک‌های بشردوستانه ارائه خواهد شد.^۲

ماده ۱۴ پروتکل مذکور، مانند ماده ۵۴ پروتکل اول، گرسنه‌نگه‌داشتن غیرنظامیان را به‌عنوان روش جنگی ممنوع می‌کند. بنابراین بستن راه‌ها و مانعیت از رسیدن غذا به‌منظور ایجاد قحطی ممنوع است. هم‌بدین منظور، حمله، انهدام، برداشتن یا از حیث استفاده‌انداختن اموال ضروری برای حیات سکنه غیرنظامی در ماده

۱. ساعد، پیشین.

2. Pejic, op.cit, p.4.

۱۴ پروتکل منع شده است؛ اموالی مانند مواد غذایی و اراضی زیر کشت برای تولید این مواد، محصولات کشاورزی، احشام، تأسیسات و ذخایر آب آشامیدنی و تأسیسات و لوازم آبرسانی، ممنوعیت ایجاد قحطی برای از پای درآوردن غیرنظامیان، آن طور که ماده ۱۴ پروتکل دوم مقرر می‌دارد، هیچ استثنایی بر نمی‌دارد.

در کنفرانس دیپلماتیک مزبور، پیشنهادی مطرح شد به این مضمون که طرف‌های متخاصم، مجازند در صورت اقتضای حتمی ضرورت‌های نظامی، از این روش یعنی ایجاد قحطی استفاده کنند اما این پیشنهاد هیچ رأیی نیاورد. بند ۲ ماده ۱۸ پروتکل دوم، مربوط به فعالیت‌های امداد رسانی بین‌المللی ضمن تکمیل مقررات ماده ۱۴ نحوه انجام امور امدادی را بیان می‌کند. طبق این بند: «اگر سکنه غیرنظامی به سبب فقدان ملزومات ضروری برای زیست دچار مشقات زیاده از حد شود عملیات کمک‌رسانی انجام خواهد شد. عملیات امداد رسانی باید منحصراً ویژگی بی‌طرفانه و انسان‌دوستانه داشته باشد.» بنا به تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جنبه انسان‌دوستانه فعالیت امداد رسانی مفروض و آن هنگامی است که هدف، کمک به غیرنظامی‌ها و فعالیت بی‌طرفانه باشد؛ اگر هیچ تمایزی بر اساس معیارهای شخصی بین افراد کمک‌گیرنده در کار نیاید و عاری از هرگونه هدف سیاسی جانب‌دارانه باشد.^۱ متأسفانه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نقض ماده ۱۴ پروتکل دوم که در حقوق بین‌المللی عرفی مبنایی محکم دارد در ردیف جنایات جنگی مشمول صلاحیت دیوان قرار نگرفت. این ماده، استفاده از سلاح گرسنگی و حمله به اموال ضروری جمعیت غیرنظامی را منع می‌کند. ضعف مشهود اساسنامه در این زمینه، به‌ویژه کوتاهی در جرم‌انگاری استفاده از سلاح گرسنگی و ایجاد قحطی بین غیرنظامیان حین مخاصمات داخلی، بسیار ناگوار است زیرا به‌کارگیری این روش توسط یکی از طرف‌های متخاصم بر ضد هموطنان خویش در این دسته از مخاصمات، کاملاً رایج است. به همین دلیل ارتکاب این عمل غیرانسانی در مخاصمه‌ای داخلی بیش از مخاصمه بین‌المللی سزاوار سرزنش و تقبیح است. جرم‌انگاری این ماده از پروتکل دوم الحاقی می‌توانست جنبه بازدارنده داشته باشد که در این نوع مخاصمات، خیلی رواج دارد.^۲ قاعده لزوم تسریع در رساندن کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان در پیش‌نویس پروتکل الحاقی دوم قید شد و کمیته دوم کنفرانس دیپلماتیک که در آن پروتکل‌های الحاقی به تصویب رسید مورد پذیرش قرار گرفت لیکن در لحظات آخر به دلیل تصویب متنی ساده‌تر از آن حذف

۱. ممتاز، و رنجبران، پیشین، صص. ۱۴۱-۱۴۰.

۲. رضانی، پیشین، صص. ۱۲۹.

شد. به علاوه این قاعده در مدارک دیگری که مربوط به درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز می‌شود، ملحوظ شده است. کمک‌رسانی انسان‌دوستانه به غیرنظامیان، از مفاهیم نسبتاً جدید حقوق بین‌المللی به شمار می‌رود و هنوز معاهده‌ای خاص آن به تصویب نرسیده است. با این حال، عناصر این مفهوم در اسناد حقوق بشردوستانه، به ویژه پروتکل الحاقی دوم موجود است. هدف از کمک‌رسانی به انسان، رها کردن انسان‌ها از دام گرسنگی یا مرگ، از طریق رساندن غذا، دارو و امداد پزشکی به آنان است. درست است که کمک‌رسانی باید با رضایت دولت مربوط انجام شود ولی آنجاکه که مقامات آن دولت با هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای به دریافت کمک‌ها رضایت نمی‌دهند مرتکب نقض تعهدات بین‌المللی می‌شوند یعنی تعهدات مربوط به رعایت حقوق بنیادین شهروندان خویش. در چنین موقعیتی است که اهمیت ماده ۱۴ پروتکل الحاقی دوم نمایان و استناد به آن ممکن می‌شود که به گرسنگی کشاندن غیرنظامیان را منع می‌کند. همان طور که رویه بین‌المللی نشان می‌دهد استفاده از سلاح گرسنگی، ایجاد قحطی و ممانعت از رسیدن ملزومات اصلی برای بقای غیرنظامیان، محکوم و مسئولیت‌آور است. امروزه حق دریافت کمک‌های انسان‌دوستانه، یکی از حقوق بشر به شمار می‌رود و در وهله اول، دولت مربوطه باید این حق را ادا کند و شهروندان خویش را در پناه خود گیرد اما اگر چنین نشد، غیرنظامیان گرسنه درمانده را نمی‌توان به همان حال رها کرد. اینان در مقام استیفای حق طبیعی خود و برای بقا و حیات می‌توانند خواستار دریافت کمک‌های انسان‌دوستانه از خارج شوند. اقدامات شورای امنیت درباره بسیاری از مخاصمات داخلی، گواهی بر عینیت این حق است.^۱

قاعده لزوم تسریع در رساندن کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه داخلی در بند ۲ ماده ۱۸ با عبارتی ساده‌تر بیان شده است و بیشتر بر لزوم ساماندهی کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان تأکید شده ولی فاقد تسریع درباره دسترسی به چنین کمک‌هایی است. این امر در دستورالعمل‌های نظامی و نیز بیانیه‌های مرتبط با درگیری‌های غیربین‌المللی غیرنظامی نیز آمده و در پروتکل الحاقی دوم نیز اعلام رضایت طرف‌های دیگر برای کمک‌رسانی، مطابق ماده ۱۸(۲) الزامی است. ممانعت از کمک‌رسانی بشردوستانه بر اساس قوانین داخلی بسیاری از کشورها جرم محسوب می‌شود. در پروتکل دوم الحاقی برخلاف پروتکل اول الحاقی به دسترسی کمک‌های بشردوستانه از طریق کشور ثالث اشاره‌ای نشده است و اعضای پروتکل، مکلف

۱. ممتاز، و رنجبران، پیشین، ص. ۱۶۵.

به تسهیل ارائه کمک‌های بشردوستانه نیستند.^۱ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیری، امداد رسانی به غیرنظامیان را الزامی می‌داند. برای اثبات اینکه عملیات امداد در این قبیل موارد، الزام می‌یابد، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به این نکته اشاره می‌کند که در متن بند ۲ ماده ۱۸ پروتکل دوم، فعل در زمان آینده به کار رفته است. در واقع عبارت "عملیات کمک‌رسانی انجام خواهد شد" افاده الزام می‌کند و دربردارنده تعهد به انجام این عملیات است. با این استدلال، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، بدون کسب موافقت حکومتی که همچنان نماینده کلیت دولت در عرصه بین‌المللی است، حق ورود به سرزمین آن دولت و انجام عملیات امداد رسانی را به خود نمی‌دهد.^۲ با این همه باید به خاطر داشت امتناع مستمر دولت مربوط از عبور آزادانه محموله‌های شامل کمک‌های انسان‌دوستانه، به هیچ‌روی موجبی برای به‌کارگیری زور به‌منظور رساندن این کمک‌ها نیست. استفاده از زور برای کمک‌رسانی، ناقض حقوق بین‌الملل و در نتیجه محکوم است؛ همان‌طور که عملیات هوایی نیروهای مسلح هند در سال ۱۹۸۷ برای رساندن آذوقه و دارو به شورشیان تاملین بدون اجازه حکومت سری‌لانکا، مداخله‌ای نامشروع به حساب آمد و در نتیجه محکوم شد. پس از این عملیات کمک‌های انسان‌دوستانه تحت محافظت حکومت سری‌لانکا و با مساعدت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به مناطق تحت کنترل شورشیان ارسال شد. بنابراین در صورتی که دولت مربوط با عبور آزادانه محموله‌ها مستمر مخالفت کند و اجازه رسیدن کمک‌ها به غیرنظامیان درمانده را ندهد، اختیار توسل به قوه قهریه برای امداد رسانی، فقط با شورای امنیت است. به گفته دیگر، تنها شورای امنیت است که برای رفع خطر از غیرنظامیان و جلوگیری از فجایع انسانی، امر به کمک‌رسانی می‌کند.^۳

۳. ماهیت تعهدات ناشی از حق بر غذا از منظر حقوق بین‌الملل بشر

محتوای تعهدات و سازوکارهای تضمینی حق بر غذا، تابع محتوا و سازوکارهای تضمین حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. تعهدات دولت‌های عضو میثاق به این شرح است:^۴ هر دولت عضو میثاق حاضر متعهد می‌شود اقداماتی مستقل و همچنین از طریق مساعدت و همکاری بین‌المللی به‌ویژه اقتصادی و فنی، با استفاده از حداکثر منابع در اختیار، به‌منظور دستیابی به تحقق

۱. هنکرتز، و دوسوالدیک، پیشین، ص. ۳۱۷.

۲. ممتاز، و رنجبران، پیشین، ص. ۱۴۴.

۳. همان، ص. ۱۴۵.

۴. ابراهیم‌گل، پیشین، ص. ۲۲۷.

کامل تدریجی حق‌های شناخته‌شده در این میثاق با همه وسائل مناسب از جمله به‌طور خاص، اتخاذ اقدامات تضمینی، معمول دارد. تعهدات در میثاق، دونوع تدریجی و فوری است که تعهدات تدریجی در ماده ۲ میثاق تصریح شده است.^۱ تعهدات فوری نیز شامل حذف تبعیض در دسترسی به غذاست که در تفسیر کلی شماره ۲۰ به صراحت به این مسئله اشاره شده است: تعهد به انجام اقدامات لازم و عدم برخورد منفعلانه با حق غذا، تعهد به منع اقدامات پس‌رونده و حمایت از حداقل تأمین نیاز اساسی به غذا.^۲ در ارتباط با اهمیت این ماده، کمیته اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در تفسیر کلی شماره ۳ خود درباره ماهیت تعهدات دولت‌های عضو میثاق می‌گوید: «ماده ۲ برای درک کامل میثاق، اهمیت اساسی دارد و باید بین آن و سایر موارد میثاق، رابطه‌ای پویا برقرار کرد. این ماده، ماهیت تعهدات قانونی دولت‌ها به‌موجب میثاق را شرح می‌دهد.»^۳ بند ۱ ماده ۲ را می‌توان رکن اصلی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توصیف کرد. این بند به وصف تعهدات دولت‌های عضو در تحقق حق‌های مندرج در میثاق می‌پردازد که فهم و شناخت آن، اهمیتی حیاتی برای محتوا و نیز اجرای میثاق به‌مثابه یک کل دارد.^۴

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر کلی شماره ۱۲ اعلام کرد با توجه به روح حاکم بر ماده ۵۶ منشور ملل متحد و مقررات خاص مواد (۲) و ۲۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «دولت‌های عضو باید نقش اساسی همکاری بین‌المللی را به رسمیت بشناسند و مطابق تعهداتشان نسبت به انجام اقدامات مشترک و مجزا برای دستیابی به تحقق کامل حق بر غذای مناسب عمل کنند. آنان باید هر زمان از تحریم‌های غذایی یا اقدامات مشابه که شرایط تهیه غذا و دسترسی به غذاهای دیگر کشورها را به خطر می‌اندازد اجتناب ورزند و غذا نباید به‌هیچ‌وجه به‌عنوان وسیله فشار اقتصادی و سیاسی استفاده شود.»^۵

1. Sylvain Vite, "The Interrelation of the Law of Occupation and Economic, Social and Cultural Rights: The Examples of Food, Health and Property", International Review of the Red Cross, Vol. 9. No. 871, 2008, p.632.

۲. کریون، پیشین، ص. ۱۴۹.

۳. ابراهیم‌گل، پیشین، ص. ۲۲۸.

۴. کریون، پیشین، ص. ۱۴۹.

5. Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), Relationship between Economic Sanctions and Respect for Economic, Social and Cultural Rights. General Comment No. 8, 1997, Para. 2.

کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دو روش خاص در ارتباط با ماهیت کلی تعهدات در چارچوب میثاق اتخاذ کرده است: الف) شیوه متمرکز بر تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه ب) شیوه متمرکز بر تعهدات به احترام، حمایت و ایفاء.^۱

۳-۱. تعهد به وسیله و نتیجه

تعهد به وسیله آن است که متعهد و مکلف در حد امکانات موجود و در حقیقت در حد توان، به تدارک حق ذی حق متعهد خواهد شد اما در تعهد به نتیجه، متعهد مکلف به تدارک حق ذی حق است. این تکلیف و تعهد، قطعی است و به امکانات موجود تقید ندارد. در مفهوم تعهد به نتیجه، سخن از مطلق بودن حق در مقایسه با امکانات موجود است؛ یعنی برخلاف «تعهد به وسیله»، این حق ها باید بدون لحاظ قید «امکانات موجود» تضمین شوند.^۲

۳-۲. تعهد به احترام، حمایت و ایفا

دومین شیوه تحلیل که اعضای کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برگزیدند نگرستن به تعهدات در قالب گونه شناسی سه وجهی است. مطابق این شیوه، تمام حق های بشری متضمن سه شکل از تعهد برای دولت ها است یعنی تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفا. در تعهد به احترام، دولت به اجتناب از مداخله در آزادی شهروندان موظف می شود. حال آنکه در تعهد به حمایت، مکلف به بازداشتن دیگران در مداخله و در تعهد به ایفا، ملزم به انجام اقدامات ضروری در تأمین محتوای حق است.^۳ تعهد به ایفا یا اجرا نیز متشکل از تعهد به تسهیل و تعهد به فراهم کردن یا تأمین است.^۴ نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر شماره ۱۲ در بند ۱۵ در این خصوص به شرح زیر اعلام شده است: «تعهد به رعایت برای دسترسی به غذای کافی مستلزم آن است که دولت های عضو از هرگونه اقدامی که به جلوگیری از دسترسی بینجامد احتراز کنند.» تعهد به حمایت، مستلزم اتخاذ تدابیری است که

۱. کریون، پیشین، ص. ۱۵۰.

۲. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، «حقوق بشر در جهان معاصر»، دفتر دوم، جستارهایی تحلیلی از حق ها و آزادی ها، شهردانش، ۱۳۸۸، ص. ۳۲.

۳. قاری سید فاطمی، پیشین، ص. ۲۵۷.

۴. ایده، اسپورن، کاتارینا کراوزه و اسن روساس، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه اردشیر امیرارجمند با همکاری گروه مترجمان، چاپ اول، ۱۳۸۹، مجد، ص. ۱۴۳.

تضمین می‌کند اشخاص و شرکت‌ها، دیگر افراد را از دسترسی به غذای کافی محروم نمی‌کنند. تعهد به ایفا بدین معنی است که اولاً دولت عضو باید به‌طور خودجوش، فعالانه در اقداماتی مشارکت کند که هدف از آن‌ها تقویت دسترسی اشخاص و بهره‌مندی از منابع و وسائل برای تضمین امرار معاش همچون امنیت غذایی است. ثانیاً هنگامی که شخص یا گروهی به دلایل خارج از کنترل ایشان، قادر به بهره‌مندی از حق خویش بر غذای کافی یا وسائل موجود در اختیارشان نباشد، دولت‌ها ملزمند که آن حق را مستقیم تأمین کنند. این تعهد نسبت به قربانیان بلایای طبیعی یا سایر حوادث اعمال می‌شود.^۱

۴. ماهیت تعهدات ناشی از حق بر غذا از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حق‌رهایی از گرسنگی جزو حقوق بنیادین و تحت هر شرایطی حتی در بلایای طبیعی غیرقابل عدول است. این تعهدات سه‌وجهی حق غذا در حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز به شرح ذیل است:

۴-۱. تعهد به احترام به حق غذا

بر تعهد به احترام در حق غذا در مخاصمات مسلحانه به‌وسیله مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی از جمله منع استفاده از گرسنگی به‌عنوان روش جنگی تأکید شده است.

به‌علاوه محرومیت عمدی از غذا، تحت شرایطی خاص، جنایات تحت حقوق کیفری بین‌المللی را تشکیل می‌دهد (نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی) جلوگیری از کمک‌های غذایی، استفاده از مین‌های زمینی که منجر به عدم تولید مواد غذایی و ناتوانی در ارسال کمک‌های بشردوستانه می‌شوند و همچنین به‌کارگیری تحریم‌ها علیه دولت دیگر، همگی از مصادیق بارز نقض حق تحقق غذا هستند.

۴-۲. تعهد به حمایت از حق غذا

در مخاصمات مسلحانه، تعهد به حمایت، مستلزم آن است که دولت‌ها باید اقداماتی مناسب برای جلوگیری از غارت مواد غذایی و محروم‌کردن شهروندان از دسترسی به غذا توسط گروه‌های مسلح و سایر بازیگران غیردولتی به‌کار بندند. عدم‌اقدام مناسب، تخطی از تعهد به حمایت محسوب می‌شود.

^۱. ابراهیم گل، پیشین، ص. ۲۳۳.

۴-۳. تعهد به تسهیل حق غذا

تعهد به تسهیل هم در شرایط اضطراری و هم در شرایط طبیعی به کار می‌رود. به‌عنوان مثال، بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو ماده ۷۰ (۲) پروتکل اول الحاقی و ماده ۱۸ پروتکل دوم الحاقی با در نظر گرفتن تسهیلات عبور محموله‌های بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه حقوق بشردوستانه بین‌المللی تعهد دولت‌ها به اجازه عبور آزادانه کمک‌های بشردوستانه و تسهیل کار نهادهای بشردوستانه و توزیع کمک‌های غذایی صراحتاً به رسمیت شناخته شده است. تخطی از این مواد، نقض حق غذا و تخلف از تعهد به تسهیل اعمال حق غذا محسوب می‌شود.

۴-۴. تعهد به فراهم کردن حق غذا

این تعهد برای شرایط اشغال در ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو مفصل بیان شده است. در ماده ۶۹ پروتکل اول الحاقی نیز این حق به تفصیل بیان و نیز تعهدات خاصی برای فراهم کردن غذای گروه‌های خاص به‌ویژه زندانیان جنگی در مواد ۲۰، ۲۶، ۲۸ و ۴۶ در کنوانسیون سوم ژنو و افراد بازداشتی در مواد ۸۷ و ۸۹ کنوانسیون چهارم بیان شده است. در تعهد به فراهم کردن، زمانی که دولتی از اجرای تعهدات خود (تهیه غذا) ناتوان است کنوانسیون به آن دولت اجازه می‌دهد از جامعه بین‌المللی کمک بخواهد.

۵. نقض حق بر غذا

نقض حق بر غذا به طرق مختلف رخ می‌دهد. یک حالت، قصور دولت عضو در تضمین بهره‌مندی از حداقل سطحی لازم برای رهایی از گرسنگی است. حالت دوم، اعمال تبعیض در دسترسی به غذا و وسایل بهره‌مندی از آن بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، سن، عقیده سیاسی، منشأ نژادی یا اجتماعی، ثروت، تولد یا دیگر وضعیت‌هاست. حالت سوم، چند زیرمجموعه را در بر می‌گیرد: نقض حق بر غذا با تعلیق یا لغو رسمی قوانین لازم برای تحقق مستمر حق غذا، تصویب قوانین یا اتخاذ سیاست‌هایی که آشکارا با تعهدات از پیش موجود قانون یک دولت در ارتباط با حق غذا مغایر باشد، حضور در تنظیم فعالیت‌های اشخاص یا گروه‌هایی که مانع نقض حق بر غذای دیگران می‌شوند و حضور یک دولت در عدم توجه به تعهدات بین‌المللی در ارتباط با حق بر غذا هنگام انعقاد معاهدات با دیگر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی از طریق اقدام مستقیم دولت‌ها یا دیگر نهادهای تحت کنترل دولت.^۱ همچنین در پروتکل اختیاری به میثاق

بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که سال ۲۰۰۸ در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد، حق دادخواهی در صورت نقض تعهدات مندرج در آن به رسمیت شناخته شده است. در حقوق بین‌الملل بشر، همچنین تعهدات مشخص و روشن برای تحقیقات مناسب و تعقیب ادعاهای تخلفات جدی به‌وسیله نیروی نظامی هم در مخاصمات مسلحانه و در شرایط غیرمخاصمه بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است. تعهدات در مواد ۲ و ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون ضد شکنجه بیان شده است. تعهد به تعقیب ارتکاب جنایات جنگی یا سایر جنایات ارتكابی به‌وسیله نیروهای مسلح در سرزمین‌شان امروزه حقوق بین‌المللی عرفی است. به‌موجب بند ۱۰ تفسیر کلی شماره ۳ مصوب اجلاس پنجم (۱۹۹۰) کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درباره ماهیت تعهدات دولت‌های عضو میثاق مربوطه، کمیته معتقد است که هر دولت عضو، تعهد قانونی اولیه برای تضمین حداقل سطح اساسی هریک از حقوق مندرج در سند را دارد. برای مثال، دولت عضوی که در سرزمین آن، افراد زیادی از مواد غذایی اساسی، بهداشتی، اولیه و ... محروم باشند در نظر اول از اجرای تعهدات خود بر اساس میثاق قصور ورزیده است. اگر قرار باشد این سند به‌گونه‌ای قرائت شود که تعهد قانونی اولیه را تثبیت نکند تا حد زیادی علت وجودی خود را از دست می‌دهد.^۱

نقض حق بر غذا از منظر اصول و قواعد حقوق بشردوستانه به طرقتی مختلف رخ می‌دهد که به برخی از مهم‌ترین آنها از قبیل به‌قحطی‌کشاندن غیرنظامیان، نابودکردن یا غیرقابل‌استفاده کردن اموال برای حیات جمعیت غیرنظامی، نقض حق دریافت کمک‌های بشردوستانه، نقض آزادی حرکت کارکنان بشردوستانه و... می‌توان اشاره کرد.

۶. امکان رسیدگی به جنایات ارتكابی از نقض حق غذا

حقوق بین‌الملل کیفری از جمله ابزارهای حمایت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است و به نقض‌های جدی و گسترده حقوق اساسی بشر واکنش نشان می‌دهد. حقوق بین‌الملل کیفری شامل مسئولیت کیفری افراد به دلیل فعل یا ترک‌فعل‌هایی است که منجر به نقض جدی حقوق بین‌الملل می‌شود. ارتباطی نزدیک و متقابل‌میان حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد و حقوق بین‌الملل کیفری با جرم‌انگاری قطعی و جدی در حوزه نقض حقوق بشر و

^۱. مصفا و همکاران، پیشین، ص. ۲۰.

بشردوستانه، تعقیب کیفری ناقضان آنها را مطالبه می‌کند.^۱ انکار غذا و ممانعت از دسترسی به غذا تحت شرایطی خاص در حقوق بین‌الملل کیفری، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی را تشکیل می‌دهد و امکان رسیدگی به جنایات ارتكابی حاصل از نقض حق غذا در هریک از نهادهای زیر وجود دارد.

۶-۱. دیوان کیفری بین‌المللی

دیوان کیفری بین‌المللی مهم‌ترین نهادی است که در حوزه تخصصی تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات بزرگ بین‌المللی پیش‌بینی و فعالیت رسمی آن از سال ۲۰۰۲ آغاز شده است. این دیوان که در پی تحولات پس از تشکیل دادگاه‌های کیفری نورنبرگ، توکیو و یوگسلاوی سابق به شکل امروزی آن به وجود آمده، به‌طور تخصصی به جرایم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی رسیدگی می‌کند و به نحو دقیقی جرایم مزبور و نحوه تحقق و اثبات آنها را در اساسنامه خود (اساسنامه رم) تعریف کرده است.^۲ مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه رم به مسأله حق غذا پرداخته است. در ماده ۶ قرارداد عمده‌ی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسب که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن گروه شود از مصادیق نسل‌کشی برشمرده شده است. درباره قرارداد اعضای یک گروه در شرایط نامساعد زندگی، کمیسیون مقدماتی سازمان ملل برای دیوان کیفری بین‌المللی معتقد است که این طبقه‌بندی امکان دارد شامل محرومیت عمده از منابع لاینفک بقا از قبیل غذا و خدمات پزشکی یا اخراج اجباری از خانه یا کاشانه باشد. ماده ۷ نیز مصادیق مختلف جنایات علیه بشریت را تشکیل می‌دهد که یکی از این اعمال، ریشه‌کنی یعنی برنامه‌ریزی برای تحمیل عمده وضعیتی خاص از زندگی از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو به‌منظور معدوم کردن بخشی از یک جمعیت است. در ماده ۸ نیز تحمیل گرسنگی به غیرنظامیان به‌عنوان روش جنگی یا محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمک‌های بشردوستانه پیش‌بینی شده در

۱. حسینی اکبرنژاد، هاله، «جنگ علیه حقوق انسان‌ها: نقض تعهد رعایت حقوق بشر در جنگ ۲۲ روزه غزه»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی، سال ۲۸، شماره ۴۰، ۱۳۸۸، صص. ۴۵-۱۳.

۲. عمرانی، سلمان، «جنایات اسرائیل در غزه در مصادف با حقوق کیفری بین‌المللی بررسی راهکارهای محاکمه جانیان»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۴، ۱۳۸۸، صص. ۹۲-۸۷.

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو جنایات جنگی نامیده می‌شود. در صورت ارتکاب هریک از جنایات مذکور در ارتباط با حق غذا این دیوان می‌تواند بر اساس اساسنامه آیین دادرسی خود، از طریق یکی از موارد زیر موضوع را پیگیری کند: الف) ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت به دیوان (ماده ۱۳ اساسنامه، دیوان) بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه «دیوان می‌تواند صلاحیت خود را درباره جرایم مندرج در ماده ۵ اساسنامه در موارد زیر اعمال کند...» و...ب) موقعیتی که یک یا چند جرم از جرایم مطروحه ارتکاب یافته باشند و موضوع بر اساس فصل هفتم توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع شود. در این زمینه دو موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد: ۱- تشخیص یک موقعیت توسط شورا ۲- ارجاع آن به دیوان.^۱ بنابراین شورای امنیت می‌تواند در چارچوب فصل ۷ منشور سازمان ملل و در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یک وضعیت را به دیوان ارجاع دهد هرچند جرم توسط اعضای دول عضو یا در قلمرو دول عضو ارتکاب نیافته باشد. ج) انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادستان (مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه دیوان) بر اساس ماده ۱۲ اساسنامه کشوری که عضو اساسنامه دیوان نیست می‌تواند با ثبت بیانیه‌ای نزد ثبات دیوان، صلاحیت این مرجع را در موضوعی خاص بپذیرد و ... براساس ماده ۱۳ اساسنامه دیوان «دیوان می‌تواند صلاحیت خود را درباره جرایم مندرج در ماده ۵ اساسنامه خود در موارد زیر اعمال کند... ج) دادستان ابتدا تحقیقاتی درباره جرایم و بر اساس اختیارات ماده ۱۵ انجام دهد. این موضوع نیز به خواست دادستان باز می‌شود. اگر دادستان به انجام تحقیقات مقدماتی تمایل داشت، می‌تواند با وجود اسناد و مدارک به این کار دست زند. د) ماده ۸۶ آیین دادرسی دیوان به سازمان‌های غیردولتی مجوز می‌دهد تا با ارائه دادخواست خواستار تحقیق و پیگیری موضوع توسط دادستان دیوان کیفری بین‌المللی شوند. دادخواستی که از سوی سازمان‌های غیردولتی ارائه می‌شود فقط برای آغاز تحقیقات مقدماتی است و نمی‌تواند منجر به رسیدگی شود. البته انجام تحقیقات مقدماتی که دادستان با آن موافقت کرده با ماده ۱۲ و ۱۳ اساسنامه تفاوت

۱. اخوان فرد، مسعود، و سیدمهدی چهل‌تنی، «جنگ غزه و عملکرد نهادهای حقوق بین‌الملل»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۴، ۱۳۸۸، صص. ۱۰۴-۱۰۲.

دارد زیرا این تحقیقات به تبع دادخواست انجام می‌شود در حالی که انجام تحقیقات مقدماتی ناشی از اعمال مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه مستقل است.^۱

۲-۶. رسیدگی در مراجع ملی سایر کشورها

تعهد به مجازات جنایتکاران جنگی که حین مخاصمات بین‌المللی مرتکب نقض حقوق بشردوستانه شده‌اند، هر دولت عضو کنوانسیون را ملزم به تعقیب این افراد می‌کند. تعقیب و مجازات جنایتکاران جنگی، نه فقط حق، بلکه تکلیف دولت‌های عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است و دول عضو را بدون در نظر گرفتن تابعیت جانی یا بزه‌دیده یا حتی محل وقوع جنایت جنگی به محاکمه جنایتکاران جنگی یا استرداد این افراد به دولتی دیگر مکلف می‌کند که خواهان محاکمه آنان باشد. این نوع صلاحیت رسیدگی به جنایات جنگی را «صلاحیت جهانی» می‌نامند و هدف از آن، تأمین مصالح و منافع جهانی است و از طریق مجازات کسانی تأمین می‌شود که ارزش‌های جهانی متبلور در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را زیر پا می‌گذارند.^۲ در واقع جنایات موضوع این صلاحیت، جنایاتی هستند که تنها به منافع یک دولت صدمه نمی‌زنند بلکه وجدان جهانی را جریحه‌دار می‌کنند.^۳

دولت‌ها درباره نقض‌های عمدی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) و در مورد شکنجه و سایر جرایم به رسمیت شناخته شده در حقوق بین‌الملل، مجاز به اعمال صلاحیت جهانی هستند. صلاحیت جهانی به منظور جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مرتکبان جرایمی است که به «منافع اساسی بشریت» آسیب رسانده‌اند.^۴ البته اصل اعمال صلاحیت جهانی در رویه بین‌الملل، عمدتاً منوط به حضور متهم در دادگاه داخلی ذی‌ربط شده‌است تا از تعارض تصمیمات و تداخل صلاحیت‌ها جلوگیری شود. باین حال کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ در این مورد، هیچ مانعی برای اعمال صلاحیت دولت‌ها و رسیدگی غیابی ایجاد نکرده است.^۵ به‌رغم

۱. عمرانی، پیشین، ص. ۹۰.

۲. حسینی اکبرنژاد، پیشین، صص. ۹۹-۱۲۵.

۳. ممتاز، و رنجبران، پیشین، ص. ۲۰۱.

۴. حسینی اکبرنژاد، پیشین، ص. ۱۲۴.

۵. زمانی، قاسم، «ظرفیت نظام حقوق بین‌الملل در مقابله با جنایات رژیم صهیونیستی در غزه»، در: غزه و حقوق بین‌الملل، انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۸۹.

وجود مبانی بین‌المللی و ملی برای اعمال صلاحیت نسبت به جنایات بین‌المللی به لحاظ فنی، اقدام قضائی برای رسیدگی به این جنایات که در سرزمین‌های خارج از حوزه قضایی دادگاه ارتکاب یافته‌اند، با موانع و مشکلات عملی مواجه است. به‌طور مثال، اقدام دادگاه‌های ملی سایر کشورها مستلزم گذشت زمان است. از یک‌سو افراد مسئول پیگیری این جنایات مانند قضات و دادستان‌ها، نیازمند وقت و زمان زیاد برای جمع‌آوری ادله و مدارک ارتکاب جنایات هستند. از سوی دیگر موضوع تعارض صلاحیت‌ها و اولویت صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم نیز مطرح است لذا محاکم ملی سایر کشورها صرفاً زمانی می‌توانند اقدامات قضایی تکمیلی انجام دهند که کوتاهی یا عدم استقلال در دستگاه قضایی کشور محل ارتکاب جنایت مطرح یا رسیدگی‌های پیشین صوری باشد. همچنین بعضاً مسائل تدارکاتی مانند هزینه‌های مالی ناشی از انجام تحقیقات نیز مطرح است.

۳-۶. تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه توسط شورای امنیت

تشکیل دادگاه‌های کیفری ویژه توسط شورای امنیت برای تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی از جمله اقدامات مهم جامعه بین‌المللی در مقابله با نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه قلمداد می‌شود.^۱ تشکیل چنین دادگاه‌هایی بی‌تردید عاملی مؤثر در تحول حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

۴-۶. دیوان دادگستری بین‌المللی

طبق اصول حقوق بین‌الملل، مجمع عمومی سازمان ملل صلاحیت تقاضای صدور رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری را بر اساس اصول و قواعد حاکم در حقوق بین‌المللی از جمله قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی دارد. همچنین امکان دادخواهی و جبران خسارات در دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس ماده ۹ کنوانسیون نسل‌زدایی و نیز درخواست دادخواست در حضور دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس سایر معاهدات با توجه به تعهدات عام‌الشمول (ارگامنس) به دلیل نقض بارز تخلفات بین‌المللی از قبیل جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی وجود دارد.

نتیجه

۱. حسینی اکبرنژاد، پیشین، ص. ۳۶.

با توجه به نقش غذا در سلامت و رساندن آن به افراد نیازمند در شرایط اضطراری به‌ویژه در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی و با توجه به آنکه در این نوع وضعیت‌ها، هم حقوق بین‌الملل بشر و هم حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم است لذا از منظر حقوق بین‌الملل بشر، میثاق‌ها، کنوانسیون‌ها، پروتکل‌های مربوطه و... ضمن شناسایی حق بر غذا به‌عنوان حق بشری، تبیین و تفسیر اجزای این حق و تعهدات کشورها در زمان صلح و مخاصمات، گام اساسی در این راستا برداشته ولی در اجرای این حق با توجه به نقض گسترده آن، با مشکلاتی مواجه بوده است.

از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مربوطه، با ایجاد تعهدات الزام‌آور در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و شرایط اشغال در زمینه حق غذا از قبیل منع به قحطی کشاندن غیرنظامیان، عدم تخریب محصولات کشاورزی و غذایی، حق دریافت کمک‌های بشردوستانه و آزادی حرکت کارکنان سازمان‌های بشردوستانه، تا آن حد پیش رفته‌اند که استفاده از ابزار گرسنگی در این مخاصمات را به‌منزله جنایات جنگی، جنایات نسل‌زدایی و جنایات علیه بشریت قلمداد کنند و حق دادخواهی درمورد نقض حق غذا را از طریق نهادهای مختلف بین‌المللی از قبیل دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت و ... به رسمیت شناخته‌اند ولی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، گرچه حق غذا را به‌خوبی تبیین کرده، تعهداتی الزام‌آور در زمینه حق غذا و کمک‌رسانی غذا به غیرنظامیان ایجاد نکرده و فقط بر لزوم سازماندهی کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان تأکید شده و فاقد قوانین مربوط به تسریع دسترسی به چنین کمک‌هایی است.

منابع:

- اخوان فرد، مسعود، و سید مهدی چهل‌تنی، «جنگ غزه و عملکرد نهادهای حقوق بین‌الملل»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۴، ۱۳۸۸.
- امیرارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول، قسمت اول، اسناد جهانی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
- ابراهیم‌گل، علیرضا، «حق غذا: پیش‌شرط تحقق سایر حقوق»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی، سال ۲۵، شماره ۳۹، ۱۳۸۷.
- ایده، اسپورن، کاتارینا کراوزه، و اسن روساس، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه اردشیر امیرارجمند با همکاری گروه مترجمان، چاپ اول، مجد، ۱۳۸۹.
- حسینی‌اکبرنژاد، حوریه، «جنگ علیه حقوق انسان‌ها: نقض تعهد رعایت حقوق بشر در جنگ ۲۲ روزه غزه»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی، سال ۲۸، شماره ۴۰، ۱۳۸۸.
- کریون، میتوسی، «چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، ترجمه محمد حبیبی، چاپ اول، سازمان انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۷.
- اخوان خزاریان، مهناز، «اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمه اخیر نوار غزه»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی، سال ۲۸، شماره ۴۰، ۱۳۸۸.
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین، نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تدوین و اجرای حقوق مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، خردسندی، ۱۳۸۹.
- زمانی، قاسم، «ظرفیت نظام حقوق بین‌الملل در مقابله با جنایات رژیم صهیونیستی در غزه»، در: غزه و حقوق بین‌الملل، انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۸۹.
- ساعد، نادر، فلسطین و حقوق بین‌الملل معاصر، چاپ اول، مجد، ۱۳۸۹.
- ممتاز، جمشید، و امیرحسین رنجبران، حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمات مسلحانه داخلی، میزان، ۱۳۸۴.
- مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، اطلاعات، ۱۳۷۷.
- عمرانی، سلمان، «جنایات اسرائیل در غزه در مصاف با حقوق کیفری بین‌المللی بررسی راهکارهای محاکمه جانینان»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۴، ۱۳۸۸.
- قربان‌نیا، ناصر، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷.

- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، شهر دانش، ۱۳۸۸.

- کمالان، مهدی، منشور سازمان ملل متحد، چاپ دوم، کمالان، ۱۳۸۸.

- مصفا، نسرین، بهرام مستقیمی، و همکاران، چالش‌های کمک‌های بشردوستانه در خاورمیانه، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.

- وارنر، دانیل، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، کنکاشی برای جهانی‌شدن، ترجمه سلاله حبیبی امین، انتشارات دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۲.

- هنکرتز، ژان ماری، و لوئیس دوسوالدیک، حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین المللی صلیب سرخ، مجد، ۱۳۸۷.

- Amrei Muller, "Limitations and Derogations from Economic, Social and Cultural Rights", Human Rights Law Review, Vol. 9, 2011.
- Christophe Golay, and Melik Ozden, "The Right to Food: A fundamental human right affirmed by the United Nations and recognized in regional treaties and numerous national constitutions". Available at: www.cetim.ch/en/documents/Br-alim-A4-ang.pdf.
- Commission on Human Right (CHR), "The Right to Food", Report by the Special Reporter on the right to food, 2001, available at: www.CHR.org.
- Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), Relationship between Economic Sanctions and Respect for Economic, Social and Cultural Rights. General Comment No. 8, 1997.
- Jelena Pejic, "The Right to Food in Situations of Armed Conflict: The Legal Framework", International Review of the Red Cross, vol. 83, No. 844, 2001.
- Office United Nation Human Rights (OUNHR/FAO), 2010 "The Right to Adequate Food", Fact sheet. p.7, No. 34.
- Randle Defalco, "The Right to Food in Gaze: Israel's Obligations under International Law", The Internet Journal of Rutgers School of Law, Vol.35, 2009.

- Sylvain Vite, "The Interrelation of the Law of Occupation and Economic, Social and Cultural Rights: The Examples of Food, Health and Property", International Review of the Red Cross, Vol. 9. No. 871, 2008.

